

روزی که غار حرا شاهد مبعوث شدن رحمت للعالمین بود

27 رجب سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص)، یکی از اعیاد بزرگ مسلمین است که در فرهنگ شیعه یکی از چهار روزی است که برای آن اعمال خاصی ذکر شده و از شأن و منزلت بالایی برخوردار است.



27 رجب سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص)، یکی از اعیاد بزرگ مسلمین است که در فرهنگ شیعه یکی از چهار روزی است که برای آن اعمال خاصی ذکر شده و از شأن و منزلت بالایی برخوردار است.

خبرگزاری مهر، گروه فرهنگ و ادب، زهرا اسکندری: ایوان کسری شکافت، آتشکده فارس خاموش شد، دریاچه ساوه خشکید، خدایان سنگ و چوب عرب سرنگون شدند. نوری به آسمان بلند شد که تا فرسنگ ها آن طرف تر دیده شد. انوشیروان و موبدان خواب های وحشتناک دیدند و محمد (ص) به دنیا آمد.

اسمش را پدربزرگش انتخاب کرد. آن قدر خوش حال بود که سر از پا نمی شناخت. برایش جشن بزرگی به پا کرد. وقتی هم مردم می پرسیدند: «عبدالمطلب، چرا محمد؟» می گفت: «اسمش را محمد گذاشتم تا در دنیا و آخرت ستوده باشد.»

قبل از تولدش پدرش را دست داد و تا سن پنج سالگی در نزد ندیمه خود حلیمه ماند. او بعد از یکسال مادرش را هم از دست داد و در دوران کودکی به کل یتیم شد. به رسم آن دوران پدربزرگش عبدالمطلب سرپرستش شد. اما زندگی خوش برای او معنی نداشت و دو سال بعد نیز او را هم از دست داد. پسرش ابوطالب و پدر حضرت علی (ع) او را به سرپرستی گرفت.

او از همان کودکی با همه فرق داشت. گویا همه می دانستند که او قرار است جهان و جهانیان را تغییر دهد. قبل از تولد او همچون حضرت موسی توطئه از بین بردن او توسط دشمنانش بیان می شد اما قرار بود او پیامبر جهانیان شود. مهم ترین اتفاقی که در دوران زندگی او افتاد به پیامبری رسیدنش بود. او قرار بود با دوران جهل و خرافه مبارزه کند. دورانی که جز پرستش یکصد هزار بت سنگی به خدایی دیگر اعتقادی نداشتند.

در زمان بعثت پیامبر، آئین رایج میان مردم حجاز، بت پرستی بود و تنها تعداد کمی از یهودیان در مدینه بودند و مسیحیان هم در نجران زندگی می کردند. البته شماری بسیار اندک هم بودند که آئین توحیدی داشتند که به آن ها «حنیفان» گفته می شد. پیامبر هم جزو همین موحدان بود. پیش از آنکه پیامبر (ص) به رسالت برگزیده شود، اسراری از عالم غیب بر وی آشکار می شد و پیام هایی غیبی به گوشش می رسید.

غار حرا پناهی برای او

پیامبر (ص) پیش از بعثت به غار حرا می رفت و با دیدن نشانه های قدرت و رحمت الهی در آسمان ها، به عظمت خداوند می اندیشید و سپس به عبادت می پرداخت. غار حرا تنها یار پیامبر بود. او تمام راز و نیاز و عبادت هایش را در همان مکان انجام می داد، گاهی اوقات به مدت یک ماه از آنجا خارج نمی شد. در غار حرا بود که جبرئیل بر وی نازل شد و آیات نخستین سوره علق را به عنوان آغاز نبوت نازل کرد و بدین ترتیب، پیامبر به پیامبری مبعوث شد.

نخستین گفت وگوی پیامبر با فرشته وحی درحالی بود که رسول خدا خفته بود. جبرئیل با نوشته ای از دیا نزد او آمد و گفت بخوان. ایشان گفتند خوانا نیستم. پس او را چنان فشرد که پنداشت در حال مرگ است. سپس او را رها کرد و گفت بخوان. گفت خوانا نیستم. باز ایشان را چنان فشرد که پنداشت در حال مرگ است. سپس او را رها ساخت و گفت بخوان. گفت چه بخوانم؟

گفت: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از علق آفرید. بخوان و پروردگار تو کریم ترین است؛ همان کس که به وسیله قلم آموخت. آنچه را انسان نمی دانست آموخت.»

پس آن را خواند. سپس او را رها کرد و از نزد او بازگشت و از خواب پرید. درحالی که گویی این آیات، چون نوشته ای، به درستی، در دل ایشان نقش بسته بود. پس بیرون آمد و آن گاه که در میان کوه رسید، آوازی از آسمان شنید که می گفت ای محمد، تو پیامبر خدایی و من جبرئیل.

سپس آنچه را که می بایست بر او نازل کرد و خودش به سوی پروردگارش بالا رفت. محمد صلی الله علیه و آله از کوه پایین آمد در حالی که عظمت خداوند و جلالت اَپَته الهی او را مدهوش خود کرده بود و به تب و لرز دچار شده بود. چیزی که اضطرابش را بیشتر می کرد، این بود که می ترسید، قریشیان او را تکذیب کرده و او را به دیوانگی نسبت دهند، در حالی که او عاقل ترین مردم و گرمای ترین آنان بود و مبعوض ترین چیزها در نظر او شیاطین و اعمال دیوانگان بود؛ بنابراین، خداوند اراده کرد که قلبش را مملو از شجاعت نماید و به او فراخی دل عنایت فرماید. برای همین از کنار هر سنگ و درختی که رد می شد، می شنید که می گفتند: «السلام علیک یا رسول الله».

به روایتی، همین که پیامبر وارد خانه شد از نور چهره مبارکش، خانه خدیجه کبری علیها السلام منور شد و آن بانوی پرهیزکار پرسید: «ای محمد! این چه نوری است که در تو مشاهده می کنم؟» حضرت فرمود: «این نور پیامبری است، بگو: لا إله إلا الله، محمد رسول الله.» حضرت خدیجه گفت: «شهادت می دهم که خدایی جز خداوند یکتا نیست و تو رسول و پیامبر خدایی.» بدین گونه خدیجه نخستین کسی بود که به همسرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورد.

با نزول آیات آغازین سوره مدثر، دعوتش به دین اسلام را از محیط خانه شروع کرد و نخستین کسانی که به او ایمان آوردند حضرت خدیجه (س)، امام علی (ع) و زید بن حارثه بودند. از میان مردان نیز امام علی بن ابی طالب علیه السلام، به محض دیدن چهره نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله به وی ایمان آورد و شهادتین را بر زبان جاری کرد. از آن پس پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار خانه خدا نماز می گذارد و حضرت خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام بر او اقتدا می کردند و نماز می خواندند. این سه نفر، با جان و مال و هستی خویش اسلام را پروراندند و فراگیر نمودند.

بعثت پیامبر (ص) به معنای برگزیدن پیامبر اکرم به پیامبری و فرستادن او از سوی خدا برای دعوت مردم به دین اسلام است. بعثت پیامبر اسلام (ص) از بزرگ ترین نعمت های خدا بر مؤمنان برشمرده شده که به گفته مفسران، در آیات قرآن هم، از جمله آیه ۱۶۴ سوره آل عمران از آن سخن آمده است. در بخشی از این آیه آمده است: «به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد که پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر آن ها بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد.

رد پای مبعث پیامبر در ادبیات

ژولیده نیشابوری در وصف مبعث پیامبر شعری سرود است که در ادامه آن را می خوانید.

آن شب، سکوت خلوت غار حرا شکست

با آن شکست، قامت لات و عزا شکست

آمد به گوش ختم رسولان ندا، بخوان

مُهر سکوتِ لعل بشر زان ندا شکست

با خواندن نخوانده الفبا، طلسم جهل

در سرزمین رکن و مقام عصا شکست

منبع:

«سه کاهن» / rlm& مجید قیصری / انتشارات کتابستان

«آخرین آفتاب» / rlm& مهدی قزلی / انتشارات شهید کاظمی